

اعجاز احمد
پروفیسر، دورہ وکٹوریائی پبلس فاری
دانشگاه شمیر سال ۲۰۱۱ میلادی

امام محمد غزالی

حجتہ الاسلام امام ابو حامد محمد بن محمد غزالی طوسی از دانشمندان مشہور دورہ سلجوقی،
پُرکارترین مؤلفین اسلامی است کہ بین تصوف و مذہب ارتباطی بوجود آورده۔ غزالی
بسال ۴۵۰ هجری مطابق ۱۰۵۸ء در طابریان طوس بدنیآ آمد و تا سال ۴۷۸ هجری یعنی
تاسن بیست و هشت سالگی در طوس و گرگان نیشاپور بفرار گرفتن علوم ظاہری پرداخت و در
بسیاری از علوم خاصہ در فقہ بمقام اجتهاد رسید، پدر غزالی محمد بن محمد مردی معتبد بود بافند
گی پیشہ داشت و لقب غزالی از همین پیشہ پدر، درین سال کہ غزالی بفرار گرفتن علوم
ظاہری مشغول بود، خواجه نظام الملک طوسی وزیر دانشمند و دانش دوست ملکشاہ سلجوقی را با و
کی ملاقاتی دست داده شیفته پایتخت فضل و دانش وی گشت و تا سال ۴۸۴ هجری در دربار
سلجوقی بانتهای عزت آمد و شد داشت و در کار بای بزرگ دخالت می کرد، درین سال
بخواجه نظام الملک منصب تدریس مدرسہ نظامیہ بغداد را بر عہدہ گرفت تا سال
۴۸۸ هجری در آن مقام کہ بزرگترین پایگاہ علمی آن زمان بود بماند، گفته می شود کہ

غزالی قریب ۳۰۰ صد نفر دانشمند را تربیت کرد۔ غزالی کہ از ائمہ بزرگ شافعی در دورہ خود بود تمام عمر خود را بمبارزہ با فلسفہ و تکفیر فلاسفہ گذرانده و تقریباً ہفتاد کتاب در مسائل دینی و عرفانی نوشتہ بود کہ اغلب آنہا در دست اند۔ در سال ۴۸۸ ہجری یعنی در ۳۹ سالگی غزالی تھولی در روح او پدید آمد چنانکہ دست از مقامات دنیاوی برداشت، برادر خود احمد غزالی را تدریس نظامیہ خانشین خود قرار داد، و در ظاہر بقصد سفر حج و در باطن بہ اندیشہ سیر و سلوک و مجاہدت و ریاضت، از بغداد بیرون رفت و از سال ۴۸۸ ہجری تا دہ سال در بلاد شام و بیت المقدس و حجاز بسر برد و در تمام این مدت پیوستہ بزہد و ریاضت و تالیف و تصنیف اشتغالی داشت تا در ۴۹۸ ہجری بہ طوسی بازگشت و یک سال بعد بدرخواست سلطان سنجر و الزام وزیرش فخر الملک بن محمد نظام الملک (م ۵۰۰) از طوس بہ نیشاپور رفت و در مدرسہ نظامیہ آن شہر بتدریس نیشت و تا سال ۵۰۰ در مدرسہ نظامیہ درس داد و در ہمین سال بہ طوس بازگشت و در خانقاہ و مدرسہ ی کہ نزدیک خانہ خود داشت بہ ارشاد و تعلیم شاگردان اشتغال ~~و در گزینہ دعوتہای سلاطین و وزراء را~~ برای تدریس در مدارس نظامیہ نیشاپور یا بغداد پذیرفت و بدرگاہ سلاطین نرفت و از ہیچ کس مالی نپذیرفت و همچنان در زہد و قناعت بزیست تا در سال ۵۰۵ ہجری مطابق ۱۱۱۱ء در طوس رحلت نمود و در طابریان بخاک سپردہ شد۔

از عجایب امور آنست کہ غزالی کہ یکچند در صد تکفیر علماء او ایل برآمدہ و بشدت بر آنان تاختہ بود، خود بعد از بازگشت از سفر دہ سالہ و اظہار مقالات جدید، کہ چاشنی عرفان داشت، دچار حملات سخت تعصبان خراسان شد چنانکہ ملحد و زندیقش خواندند و از شراہبہای گوناگون در صد ایداء او برآمدند و این معنی را جامع مکاتیب غزالی بنام

فضائل الانام در مقدمه آن مجموعه تفصیل آورده است -

کتاب مهم غزالی را که بتازی و در مسائل مختلف کلام، تفسیر و تصوف و امثال آنهاست، پیش از همه تالیفات که در زبان فارسی نوشته شده اند و تالیفات غزالی را نوشت - از آثار مهم او به پارسی یکی مجموعه مکاتیب پارسی اوست و دیگر کیمیای سعادت و دیگر نصیحة الملوک را میتوان نام برد - غزالی قطع نظر از وجوه مختلف اهمیتتی که دارد، در زبان فارسی نیز دارای مقام و مرتبه خاصی است - وی نثر بسیار شیوا و پخته و ساده و گیرا و پر مغز دارد - روانی کلام او بی نهایت است - غزالی هر تصنیف خود را در نثر ساده، روان و سلیس نوشته است - او مسائل پیچیده تصوف و فقه را در نهایت آسانی بیان نموده است و این آسانی و سلاست او آثارش را پُر ارزشی ساخته است - از ایراد آیات و اخبار و استدلال به آنها علی الخصوص در نامه ها، خودداری ندارد لیکن این امر و اطلاع بسیار زیاد او از ادب عربی با امثال و اشعار عرب و علوم شرعی هیچگاه باعث نشده است که بایراد کلمات در شوار عربی با امثال و اشعار عرب جز در موردی که لازم و ملزوم است مبادرت کند رسادگی سخن غزالی همه جا با قدرت فکر و دقت تعبیر و قوت استدلال و تمثیلات و تشبیهات لطیف همراه و همیشه جذاب و دل انگیز است خاصه که با چاشنی عرفان همراه و از لطف افکار پشیمینه پوشان خانقاهی هم برخوردار است -

من می خواهم درین مقاله کوتاه تصانیف مشهور و معروف غزالی را کمی توضیح بدهم - ازین تصانیف پُر مایه غزالی کیمیای سعادت و نصیحة الملوک و فضائل الانام من رسائل حجة الاسلام رامی توان نام برد - سخن چند در باره این کتاب به سطور ذیل نوشته می شود:

۱- کیمیای سعادت: در میان تالیفات غزالی مہترین از ہمہ ”کیمیای سعادت“ است۔ این کتاب خلاصہ ای از احیاء العلوم است و غزالی آن را بعد از بازگشت از سفرده سالہ خود میان سالہای ۴۹۰-۵۰۰ ہجری نوشت۔ غزالی این کتاب را در چہار عنوان و چہار کن نہادہ است۔ چہار عنوان در ”شناختن نفس خویش“ و ”شناختن حق تعالی“ و ”شناختن دنیا“ و ”شناختن آخرت“ و چہار رکن در عبادات، معاملات، بریدن عقبات راہ دین، و نجیات است۔

غزالی این عنوانہا در کنہار ابدان نظر ترتیب داد کہ ”کیمیای سعادت“ را بدست خوانندہ دہد تا او بیماری آن کیمیای خود را از صفات نقص پاک کند و بصفات کمال آراستہ شود، از ہمہ چیز گستہ گردد و خود را بتامی بخدای بدهد و در او خرد و نا چیز شود یعنی بہمان سعادت غائی کہ صوفیان می خواہند برسند۔

پس باید دید کہ غزالی اگر چہ کتاب خود را بظاہر چون یک کتاب اخلاق نوشتہ و آن را مبتنی بر دین کردہ است، در حقیقت نظر خانقاہیان را در آن دنبال نمودہ و اندیشہ خود را، بدانگونہ کہ بعد از انقلاب احوال یافتہ بود، در آن بکار برده است۔ کیمیای ہم سعادت ہم جنبہ فلسفی دارد و ہم دینی و طریقتی، ریزا کہ غزالی در او آخر عمر بہ افکار صوفیانہ روی آورده بود۔ نثر ”کیمیای سعادت“ سادہ و روان و از ہرگونہ تکلیف و آرایش لفظی آزاد است۔

نثر ”کیمیای سعادت“ بشیوہ نثر عرفانی است کہ برای سہولیت فہم و درک مطالب، مؤلف دانشمند آن را از استعمال لغات و ترکیب دشوار عربی و آوردن ضایع لفظی و مستزادفات خوداری نمودہ و مطالب عرفانی و دینی را بشیوہ سادہ و روان نگاشته است۔

۲- نصیحة المملوک: این هم یک تالیف پرمایه امام غزالی است که آن را در حدود سال ۵۰۳ هجری برای سلطان سنجر نوشته بود. موضوع این کتاب در اخلاق و هدایت پادشاهان و درباریان بخیر و صلاح است و مقدمه ای در اصول اعتقاد و ایمان دارد. مضمون کتاب مشتمل بر ابوابی در سیرت پادشاهان و وزراء و دبیران و دانایان است. این کتاب از آثار معتبر فارسی است و در اواخر حیات حجة السلام صورت گرفته و متضمن اندیشه های او در پایان زندگانی است چنانکه گفته شده موضوع این کتاب در حکمت عملی است که البته بر مبنای دین بنا شده است.

نصیحة المملوک هم بعربی و هم بترکی ترجمه شده است. ترجمه عربی آن موسومست به "التبر المسبوك فی نصیحة المملوک" و مترجم آن ابن مستوفی یعنی ابوالبرکات مبارک بن احمد بن مبارک اربلی (۵۶۴-۶۳۷) است که ترجمه احوالش را ابن خلیکان آورده است، ترجمه ترکی نصیحة المملوک بنا بر توضیح حاج علی خلیفه در کشف الظنون یکبار بدست محمد بن علی معروف به عاشق چلبی، و بار دیگر بدست علایی بن محبت الشریف الشیرازی انجام گرفت و این ترجمه ترکی ثانوی نیچته السلوک نام یافت. ترجمه دیگری هم محمد بن عبدالعزیز معروف به وجودی (وفات بسال ۱۰۲۰ هـ) از نصیحة المملوک بترکی کرد. کتاب نصیحة المملوک بسال ۱۳۱۷ هجری در تهران طبع شده است.

۳- فضائل الانامن رسائل حجة السلام: این اسم عنوان مجموعه مکاتبات فارسی غزالی است که یکی از اقربای وی بعد از وفاتش گرد آورده است. از این مجموعه نسخی در ایران موجود است. در این کتاب نامه هایی از معاصران غزالی که غزالی بر آنها نوشته نیز وارد کتاب شده است و بهر حال مجموعه ذی قیمتی است که نه تنها بسیاری

از رسائل اخوانی و دیوانی فارسی را در نیمه دوم قرن پنجم نگاه داشته و حفظ کرده است. نامه‌های غزالی در این مجموعه یعنی در دفاع از عقاید وی، تقریر مقالات خاص او نگاشته شد، و بعضی دیگر خطاب پادشاهان عصر و وزراء و امرای و علماء آن روزگار است. غزالی درین نامه‌ها بیش از سایر منشآت خود روش استناد و تمثیل بآیات و احادیث را بکار برده است. مؤلف فضائل الانام کتاب را بر پنج باب قسمت کرده است. در باب اول نامه‌های است که بملوک و سلاطین را نوشته است، باب دوم و سوم نامه‌هایی که به وزیران و امیران فرستاده و باب چهارم در آنچه بفقها و ائمه دین نگاشته است و باب پنجم در فضول و مواظبت حجت الاسلام است. مؤلف در اوایل ابواب و نامها و یا بعد از آنها توضیحاتی از خود افزوده است که از حیث اطلاع بر احوال غزالی اهمیت وافر دارد و از جانبی دیگر خود نمونه خوبی از نثر اوایل قرن ششم است.

علاوه بر این کتابها که ذکر آن آمده کتابهای دیگر غزالی در فقه و علم قرآن و حدیث متعدد است از آن جمله است "مقاصد الفلاسفه" و "تهافت الفلاسفه" در حکمت و "معیار العلم" در منطق. از رسالات مهم غزالی که حاوی از شرح حال و تجارب روحانی و عقاید اوست رساله "المنقذ من الضلال" است.

غزالی یکی از بزرگترین دانشمندان و فیلسوفان و سرآمدان و مشاهیر علمای دوره سلجوقی است او نه فقط در کشور ایران معروف و مشهور گشته بلکه در همه عالم اسلام نمیتوان نظیرش پیدا کرد. او در طول زندگی سفرها کرده و دشواریهای بسیار تحمل کرده است بدین سبب یکی از پرکارترین نویسندگان عالم اسلام است و هم اکنون در حد و دهفتاد کتاب و رساله از او باقی است. امام غزالی از حیث عالم دین، مصالح ملت و مجده و مقام اعلی

داشت. زندگانش از کارنامه‌های علمی، اصلاحی و تجدیدی پر است به همین علت در
 نقد شافعی "کتاب البسیط"، "الوسیط" و "الوجیز" تالیف کرد. این تالیفات غزالی نه فقط
 در کشورهای اسلامی موجود اند بلکه شهرت آن تا قمرنماد را روپا هم بوده است. غزالی در
 مقاله "منقذ" درباره عقیده خودش نوشته است که از روزگار شباب تقلید ترک کرده بودم
 زیرا که در تمام مذاهب این معیار صحیح العقیدگی است.

غزالی در دربار سلجوقیان مقام خاصی داشت زیرا او در مدرسه نظامیه درس می داد
 و به استادان بزرگ زمان خود بشمار می رفت و این منصب را دوست می داشت ولی
 ناگهان در ذمین او تغییر پیدا کرد و از منصب معلمی دست برداشت و سفرهای مختلف کشور
 اختیار کرد و برادرش احمد غزالی را به جای خویش مقرر کرد. بعد از سفرهای بسیار طولانی در
 وطن خویش بازگشت او کتابی بنام "احیاء العلوم الدین" نوشت. این کتاب به زبان
 عربی بود غزالی پس این کتاب را تلخیص کرد و بنام "کیمیای سعادت" بوجود آورد و این
 خلاصه به زبان فارسی است و کاملترین کتاب غزالی به زبان فارسی است. درباره این
 همه کارها و زحمتهای و تغییراتی که در روح او پیدا کرد و او از منصب خودش برگشت و آزاد
 گشت پروفسور رای. جی. براؤن در تالیف خودش چنین رقمطراز است:

".....After he had held this post with all distinction and honour
 for four years, 'his soul soared above the mean things of the
 world,.....and he cast all this behind his back,' and, appointing
 his brother as his deputy, he made the pilgrimage to Mecca, and
 then visited Syria, where he composed his great work, the
 'Ihya' u 'ulu' l- Din, or 'Revivification of the religious sciences' This

work, written in Arabic, was subsequently epitomised in a more popular form in Persian, under the title of Kimiya-yi-Sa'adat, "The Alchemy of Happiness," and it served as the text for a series of sermons which the author preached on his return to Baghdad.

در باره تصانیف امام غزالی اختلاف نظریافته می شود. غزالی فقط در عمر پنجاه و چهار یا پنج سالگی ازین جهان فانی درگذشت حدود بسیت سالگی شغل نوشتن کتب را آغاز کرد، یازده سال به صحرانوردی و بادیه پیمائی گذشت و شغل های درس و تدریس همواره قائم ماند و در هیچ زمان تعداد شاگردان او کم از یک صد و پنجاه نبوده، با مشغله های فقر و تصوف کارهای دیگر هم می داشت و صد ها تصانیف تالیف کرد که بعضی از آنها خیلی ضخیم و موضوعهای مختلفی دارند و هر تصنیف که نوشته است خواه به زبان عربی و خواه بزبان فارسی باشد به ارزش خود بی نظیر است و این درست است. این سعادت بزور بازو نیست. از لحاظ مضامین و موضوع تصنیفات امام غزالی اینطور منقسم می شوند:

در فقه: وسیط، بسیط، وجیز، بیان، بیان القولین للشافعی، تعلیقه فی فروغ المذهب، خلاصه الرسائل، اختصار المختصر، غایة الغور، مجموعه فتاوی.

در اصول فقه: تجصین الماخذ، شفاء العلیل، منتخل فی علم الجدل، متخول، مستصفی، ماخذ فی الخلافات، مفصل الخلاف فی اصول القیاس.

در منطق: معیار العلم، محک النظر، میزان العمل.

در فلسفه: مقاصد الفلاسفه.

در کلام: تهافتة الفلاسفه، الجام العوام، اقتصاد، مستظهری، فضاخ الاباحیة، حقیقه الروح،

تعلیقه بکتاب المنطق، الحجاب فی العلم، غممة النجیل، مواهم الماطنیة، تفرقة بین

السلام والزندقی، الرسائل القدسیة -

در تصوف و اخلاق: احیاء العلوم، بیبای سعادت، المقصد القسی، اخلاق الامت
جواهر القرآن، جواهر القدس فی حقیقة النفس، مشکوة الانوار، منهاج العابدین، معراج
الساکین، نصیحة الملوک، فی الطائف الاخیار - ۳

این امر عجیب است که اثباتی که اروپا با تصانیف امام غزالی نمود خود مسلمانان
نکرده اند درین سخن شک نباید کرد که مسلمانان هم اغلب تصنیفات امام غزالی را حفظ
داشتند و حرمت کردند و بر آن تصانیف نموده اند که یعنی بر فتنه، اصول فتنه و تصوف و
اخلاق اند. در علم عقلی امام غزالی معرکه آراء تا اینفات دارد ولی هیچ کس بسوی آن نگاه نکرد
ده است بلکه علماء آن تصانیف را که مشتمل بر علم عقلی می باشند با غزالی منسوب نمی کنند
همین سبب است که این کتب در کتب خانه های اسلامی یافته نمی شوند. برخلاف این
اروپا این کتب را به اهتمام خاص محفوظ داشت که در آن امام غزالی بین فلسفه و شریعت
و اصول آن با هم داده بود یا در آن مسئله های عقلیات را به پیرایه مخصوص ادا کرده بود.

در زمان امام غزالی بدولت شاهان و وزراء و امراء سلجوقی شعر فارسی به اوج کمال
رسیده بود مذاق و اشتیاق شعر در رگ و پی ملت سرایت کرده بود. امام غزالی اگر چه شاعر
نبود ولی چونکه تقاضای زمانه و لطف طبیعت هر دو چیز جمع شده بودند ولی نمی توانست
ساکت بنشیند. در این زمان دو انواع شعر پیشرفت زیادی کرده بودند یکی قصیده و دوام
رباعی. ولی قصیده برای مدح و مبالغه آمیزی و غلو خاص شده بود و قصیده دوام اسم در وزن
گوئی و خود خواهی شده بود. بنابراین این صنف سخن شایان شان غزالی نبود البته رباعی به
مذاق او و به طبع او کاملاً موفق و سازگار بود. صاحب "مجمع الفصحاء" و "روضه الجنات

“چند رباعیات او منسوب کرده است۔ ربا میباید که از غزالی منسوب کرده می شوند در
ذیل نوشته می شوند:

کس را پس پرده قضا راه نشد وز سر قدر هیچ کس آگاه نشد
هر کس ز سر قیاس چیزی گفتند معلوم نداشت و قصه کوتاه نشد
☆ ☆ ☆

ما جامه نمازی بسر خم کردیم وز خاک خرابات تیمم کردیم
شاید که درین میکرده هادر یا بیم آن عمر که در مدرسه ها گم کردیم
☆ ☆ ☆

ای کان بقادر چه بقائی، که نه در جای نه، کدام جای، که نه
ای ذات تو از ذات و جهت مستغنی آخر تو کجای و کجای، که نه
☆ ☆ ☆

وضبط عشق را در یک قطعه اینطور ادا کرده است:

گفتم دلا تو چندین بر خویشتن چه پچی با یک طیب محرم این راز در میان نه
گفتا که هم طیبی فرموده است با من گرم بر یار داری صدر مهر بر زبان نه
☆ ☆ ☆

امام غزالی علاوه بر نوشتن کتب متعدد در موضوعهای گوناگون گاهی گاهی شاهان
و وزراء و امرای سلجوقیه را نامه ها هم می نوشت۔ چنانکه ذکر آن نامه هادرین مقاله آمده
شده است ولی در باره پند و اندرز که درین نامه هاداده است باید نمونه ای در اینجا رقم
کرد۔ غزالی همیشه صلاح و مشورت داده است که شاهان را باید عادل باشند و فقط آنها

هیچ کس را آزار نرسانند بلکه مواظب باشند تا شیخ در باری اعمال بد نکند۔ در یک نامہ کہ بنام یک وزیر نوشته است اینطور پندی می دهد :

”صحبت کسی اختیار کن کہ وی از دست شیطان رستہ باشد تا ترانیز برہاند“
غزالی در تالیفات خودش مقاصد خود را بسیار سادہ و عام فہم بیان نموده است ؛ برای اثبات تعقید و بیان افکار، از آیات قرآنی و احادیث و اخبار، کمک گرفتہ است۔ ہمہ آثار غزالی تقریباً در نہایت سادگی و زیبایی و حسن تاثیر نوشته شدہ و از اصطلاحات صوفیانہ کہ در آن بکار برده، سبک خاصی بوجود آمدہ است۔ من از خوف طوالت این مقالہ نمی توانم بیش ازین رقم کنم و می خواہم کہ در آخر این مقالہ یک اقتباس پرفسور ررای۔ جی۔ براؤن کہ در تاریخ خودش در بارہ غزالی نوشته است رقم بکنم۔

“From such early struggling after truth and dark accesses of doubt did al-Ghazali win to a bright faith, a sure conviction, and a power of leading others to the haven reached by himself, which not only earned for him the illustrious title of “The proof of Islam,” but caused the learned Suyuti to exclaim, “could there be another prophet after Muhammad, surely it would have been al-Ghazali!” △

حواله جات

۱. تاریخ ادبیات در ایران جلد دوم از دکتر ذبیح الله صفا (صفه ۹۲۲-۹۲۱)

۲. Literary History of Persia vol.2nd by Prof E.G.Brown (Page

(۲۹۴-۲۹۵)

۳. الغزالی از مولانا شبلی نعمانی "صفه (۴۳-۴۲)

۴. تاریخ ادبیات در ایران جلد دوم از ذبیح الله صفا (صفه ۹۲۲)

۵.)

۶. الغزالی از مولانا شبلی نعمانی "صفه (۵۵)

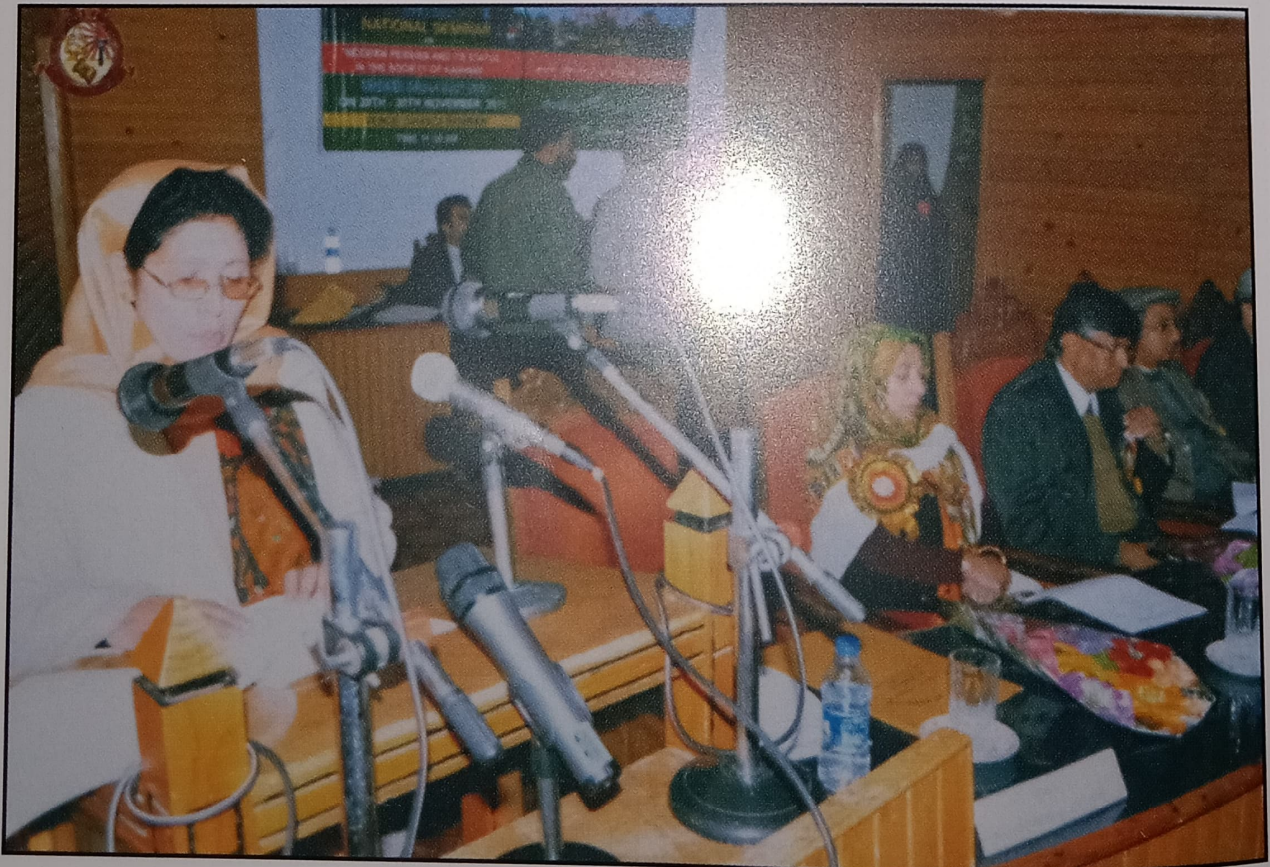
۷. (صفه ۵۷)

۸. Literary History of Persia volume 2nd by Prof. E.G.Browne

(page ۲۹۲)



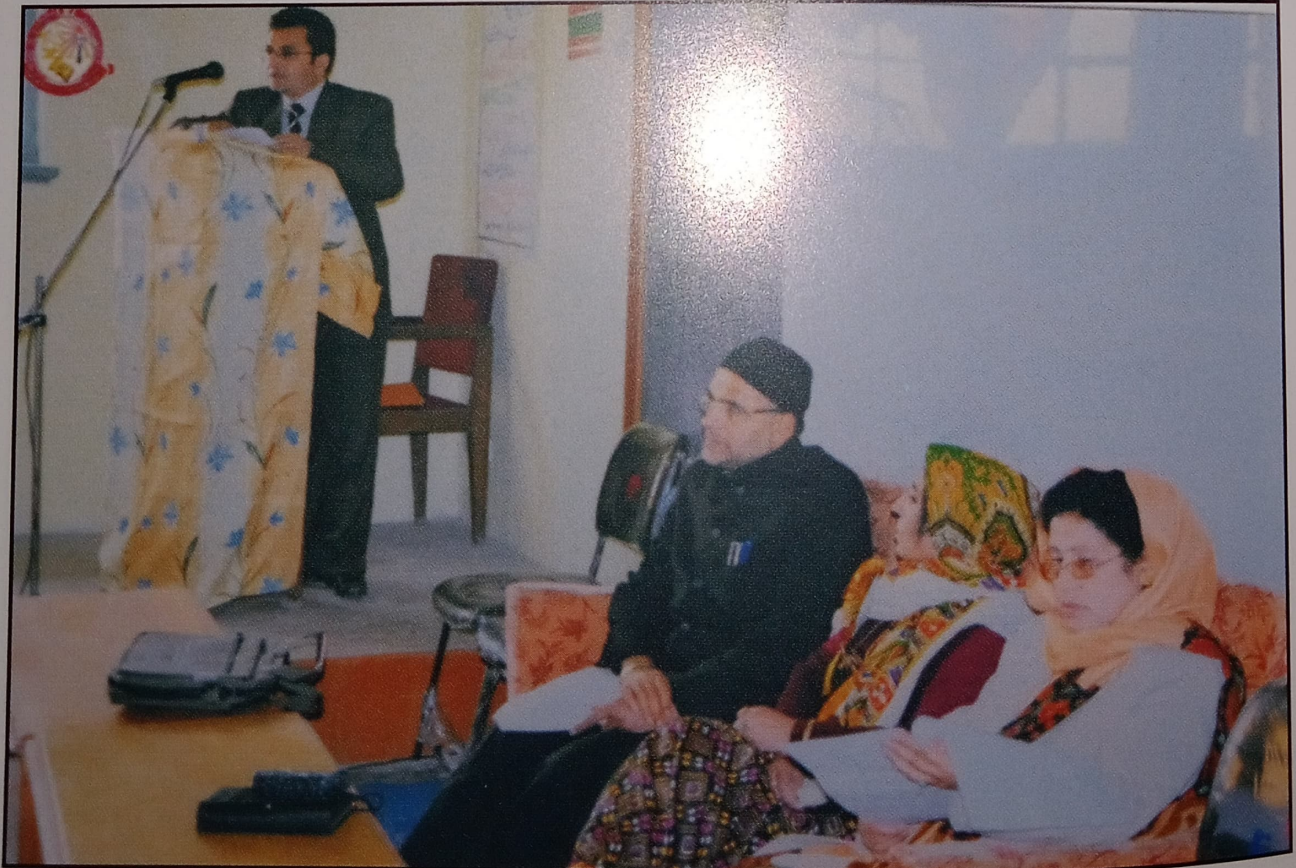
شعبہ فارسی کے دوروزہ سمینار میں محترم وائیس چانسلر صاحب صدارتی خطبہ فرماتے ہوئے۔



صدر شعبہ فارسی سمینار میں آئے ہوئے مہمانوں کا استقبال کرتے ہوئے۔



ڈاکٹر محمد یوسف لون صاحب سمینار میں سپاس گزاری کرتے ہوئے۔



ڈاکٹر جہانگیر اقبال تانترے صاحب سمینار کی نظامت کرتے ہوئے۔



شعبے میں دوروزہ سمینار کے وقفہ چائے کی ایک جھلک۔





صدر شعبہ فارسی اپنے چیمبر میں



سال آخر کے طلباء و طالبات